اخبار

تاکید دوباره بر هموارسازی جاده گردشگری پس از مرگ فعال بوم گردی

سید هاشم طباطبایی یکی از بنیانگذاران خانه‌های بوم گردی در روستای فرحزاد شهر جندق در استان اصفهان بر اثر تصادف در یک جاده گردشگری ۱۳ تیر ماه جان باخت.

جاده ای که خودروی بنیان گذار خانه بوم گردی بارانداز در آن چپ کرد مسیر مصر را به جندق می‌رساند. این مسیر ۱۲ سالی است که مسئولان مربوطه قول هموار سازی و آسفالت آن را داده بودند اما همچنان نیمه تمام مانده بود در طول این سالها جاده ناهموار مصر ــ جندق قربانی‌های متعددی گرفته است که آخرین آن هم سید هاشم طباطبایی بود.

او به عنوان یکی از بنیانگذاران جامعه حرفه ای بوم گردی ایران، بارها گفته بود که «سالانه ۷ هزار گردشگر داخلی و خارجی از این منطقه بازدید می‌کنند درحالی که جاده دسترسی به این منطقه در شأن بازدیدکنندگان نیست و بزرگترین معضل گردشگری منطقه همین موضوع است.»

در مراسمی که برای یادبود او در مسجد نور تهران با حضور فعالان گردشگری و بوم گردی کشور برگزار شد، رسیدگی به این جاده در قالب نامه‌ای از سوی خانواده وی درخواست شد در بخشی از این یادداشت آمده است:. «شواهد متقنی موید این امر است که اکثر حوادث پیش آمده در این مسیر، ناشی از زیرساخت نامناسب این جاده است. کمتر از یک دهه قبل خدایار نبی (یکی از اهالی جندق) جانش را در این جاده از دست داد؛ حدود ۸ سال پیش عباس نبی در این جاده دچار حادثه شد و هنوز در کما به سر می برد. این جاده حتی چهار سال پیش نوروز را به کام یک گروه از گردشگران، سیاه کرد؛ همان زمان که کودک ۷ساله خود را در این مسیر براثر تصادف از دست دادند. حوادث دیگری نیز در این جاده جان مهمانان کویر را تهدید کرده است.

حالا سیدهاشم طباطبایی قربانی جدید این جاده است؛ آن هم درحالی که خود او در سالهای اخیر بارها بر سر لزوم تکمیل پروژه آسفالت این جاده ۴۵ کیلومتری با مسوولان استانی و محلی چانه زنی می کرد.

بی شک تلاش پدر ما برای توسعه بوم گردی منطقه با برداشتن نخستین گام ها در این زمینه و پیگیری مطالبات فعالان این عرصه بر کسی پوشیده نیست. افتخار می کنیم که حیاتش شمع این مسیر بود و حالا امیدواریم مرگ او، منشا اثری برای برداشتن گامی دیگر در راستای هموار کردن این توسعه باشد.»

مصادیق ضدفرهنگ مدرک گرایی؛

خرید و فروش پایان‌نامه را رها کنید؛ اینجا مدرک معادل می‌فروشند

بسیاری از جامعه‌شناسان و منتقدان فرهنگی از چند دهه پیش به توسعه کمی نظام آکادمیک کشور و تأسیس دانشگاه‌ها و دانشکده‌های مختلف در نام‌های متعددی چون غیرانتفاعی، آزاد، پیام نور و... انتقاد کرده و این کار را باعث فراگیر شدن تب ضدفرهنگی «مدرک گرایی» می‌دانستند. به باور آنان این توسعه بدون پشتوانه علمی مضرات فرهنگی زیادی را به همراه خواهد داشت که یکی از آنها نمایشی شدن تحصیلات است. به عبارتی اگر در دهه‌ها پیش این درد وطن و ساختن میهن بود که افراد را مجاب می‌کرد تا رنج سفر حتی به خارج از کشور را بر خود هموار کنند تا بتوانند با فراگیری رشته یا تخصصی به ساختن کشور و انداختن آن در مسیر پیشرفت، قدم بردارند، امروزه ضدفرهنگ مدرک گرایی باعث شده تا تحصیلات در مقطع تحصیلات تکمیلی صرفاً بدل به امری برای نمایش و پز دادن شود.

متأسفانه این مؤلفه ضدفرهنگی اکنون در جامعه نهادینه شده و کار به جایی رسیده که موسساتی ظاهراً مجوز دار! برای کسانی که تمکن مالی و همچنین زمان برای حضور در دانشگاه‌ای مختلف را ندارند، تاسیس شده تا آنها با حضور در این مؤسسات و پرداخت هزینه‌هایی جزئی مدارک معادل بگیرند. نتیجه این روند اضمحلال فرهنگ تخصص گرایی است.

دفتر یکی از این مؤسسات در پاساژ فروزنده خیابان انقلاب قرار دارد. این دفتر را صرفاً یک نفر مدیریت می‌کند و یک «دادزن» هم در ورودی پاساژ برای راهنمایی مراجعان حضور دارد. این مؤسسه در بیشتر رشته‌های تحصیلی مدرک معادل از دیپلم تا دکترا می‌دهد و هزینه‌های دریافتی‌شان برای صدور این مدارک نیز بین دو تا ۱۰ میلیون تومان در نوسان است. ظاهراً که چیز زیادی هم از سوابق تحصیلی نمی‌خواهند، صرفاً یک عکس پرسنلی و یک کپی شناسنامه و فیش واریزی برای آنها کافیست.

کارمند تک نفره این موسسه به ضرس قاطع از اعتبار این مدرک‌ها صحبت کرده و می‌گوید که به هر نهادی که این مدرک را تحویل دادید آنها از اعتبار و جعلی نبودنش استعلام گرفته و خود این نهادها تاییدیه آنها را دریافت می‌کنند.

مدارک این موسسه از رشته‌هایی چون ادبیات، هنر، رشته‌های مختلف فنی، علوم ریاضی و... را دربر می‌گیرد. حتی مدارکی نیز به نام و عکس برخی سلبریتی‌های سینما دارند و آنها را به مراجعان نشان می‌دهند. عجیب آنکه این موسسه تک نفره ظاهراً بدون هیچ هراسی این کار ضدفرهنگی خود را انجام می‌دهد و احتمالاً مجوزهایش قانونی است. آیا مسئولانی که ایده گسترش کمی (و نه کیفی) نظام آکادمیک کشور را ارائه داده‌اند، درباره تبعات این کارشان اندیشیده بودند؟

دبیر «جایزه زاون» در سی و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان:

اهدای «جایزه زاون» یک هفته پیش از جشنواره کودک

قرار بر این است که سی و دو طراح و نقاش، چهره زاون را طراحی کنند و تمام هدفمان این است که شبی به یاد ماندنی را رقم بزنیم.

به گزارش امتیاز، سیاوش گلشیری، دبیر «جایزه زاون»، در گفت و گو با خبرنگار ستاد اطلاع‌رسانی جشنواره درباره برنامه‌های شب زاون، که امسال دومین دوره‌اش برگزار می‌شود، گفت: شب زاون، حدود یک هفته قبل از جشنواره در فضای باز موزه هنرهای معاصر اصفهان برگزار خواهد شد.

وی ادامه داد: در این شب، راجع به زاون قوکاسیان، پژوهشگر، نویسنده سینما و منتقد صحبت می‌کنیم و کلیپی از ایشان پخش خواهد شد و قرار بر این است که سی و دو طراح و نقاش، چهره زاون را طراحی کنند و تمام هدفمان این است که شبی به یاد ماندنی را رقم بزنیم.

گلشیری درباره رویکرد این دوره از جایزه زاون و تفاوتش با دوره قبل اظهار داشت: در شورای سیاست گذاری سال قبل، تصمیم بر آن شده بود که از پیشکسوتان و دوستان زاون برای هیئت انتخاب، استفاده کنیم که در نهایت فیلم «ضربه فنی» ساخته غلامرضا رمضانی، موفق به دریافت جایزه زاون شد؛ اما امسال در شورای سیاست گذاری تصمیم بر این شد که داوران این دوره از میان شاگردان و هنرآموزان زاون انتخاب شوند و هیئت داوران این دوره، پنج نفر از میان این افراد خواهد بود.

وی همچنین با اشاره به جایگاه هنری و فرهنگی زاون قوکاسیان گفت: زاون قوکاسیان، از جمله کسانی است که سهم بزرگی در هنر اصفهان دارد و چهره‌ای به یاد ماندنی در سینما محسوب می‌شود، اهدای جایزه زاون نیز به این دلیل است که نام این بزرگ سینما را زنده نگه داریم.

دبیر جایزه زاون اضافه کرد: وقتی بر اساس نام یک هنرمند، جایزه‌ای اهدا می‌شود، به منزله این نیست که محتوای اثر به سلیقه آن شخص مربوط باشد، بلکه این سلیقه هیئت داوران است که درنهایت بر مبنای مسائل تکنیکی و کیفی، تصمیم می‌گیرند که جایزه به کدام اثر اهدا شود. این اتفاق درباره جایزه زاون هم می‌افتد و جایزه بر همین اساس به برنده تعلق خواهد گرفت.

روانِ رنجور فرهنگ؛ از اختگی تا تَکرار

خداوند در آیه ۱۱۶ سوره مبارکه انعام می‌فرماید: «وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ» ترجمه آیه به قلم بهاالدین خرمشاهی چنین است: «و اگر از بیشتر مردم [این سر] زمین پیروی کنی تو را از راه خدا گمراه می‌کنند، چرا که جز از وهم و گمان پیروی نمی‌کنند و جز این نیست که دروغ می‌بافند.» نخستین نکته‌ای که از مفهوم این آیه مستفاد می‌شود نهی پروردگار از تقلید کورکورانه است. تقلید کورکورانه زمانی رخ می‌دهد که تفکری وجود نداشته باشد. خداوند متعال در آیات دیگری از قرآن کریم بجز دعوت به تفکر، تقلید کورکورانه حتی از پدران را نیز نهی فرموده است.

تقلید را می‌توان در دو صورت متصور شد؛ صورت نخست همان کپی کردن است که در انگلیسی از آن با عنوان Imitation یاد می‌شود. صورت دیگر اما مفهومی است که از واژه «محاکات» در عربی مستفاد می‌شود. در حوزه جامعه‌شناسی فرهنگ صورت نخست، تقلید امری مذموم است. عموم مصلحان اجتماعی نیز مردم را از این مساله نفی کرده‌اند، اما صورت دوم وجهی از تعالی فرهنگی است. ریشه بحث و تفاوت میان Imitation و تقلید با محاکات به یونان باستان و واژه Mimesis باز می‌گردد. Mimesis در نظر افلاطون تقلید محض را معنا می‌داد که از نظر تربیتی جامعه را به فاجعه نزدیک می‌کرد، اما ارسطو در مخالفت با استاد خود از Mimesis معنایی را مستفاد می‌کرد که در عربی به «محاکات» تعبیر شده است. محاکات تقلید صرف نیست و نوعی بازخوانی و بازآفرینی در ذات آن نهفته است. در روند محاکات عناصر اخذ شده نه آنگونه که هستند بلکه آنگونه که باید باشند و آنگونه که متعالی‌تر خواهند شد، بازسازی می‌شوند.

پویایی فرهنگ ایرانی در دوره‌های کهن

فرهنگ ایرانی از دیرباز یک فرهنگ زایا و مولد بوده است. عمده پژوهشگران و محققان عرصه‌های تاریخ و فرهنگ متفق القولند که فرهنگ ایرانی همیشه فرهنگ اقوام مهاجم و غالب را جذب و هضم کرده و طریق جدیدی را ارائه داده است. عموم سبک‌های نگارگری ایرانی غالباً پس از فتح ایران توسط نیروهای متخاصم بوجود آمده‌اند و در عین اینکه هویتی ایرانی دارند، اما عناصری از فرهنگ غالب را گرفته‌اند. این روند از زمان ورود اسلام به ایران تا زمانه پادشاهان صفوی تقریباً روندی یکدست را داشته است.

اما از دوره صفویه نشانه‌هایی از اضمحلال فرهنگی در ایران بوجود آمد. در این دوره جهانگردان بسیاری مانند «برادران شرلی» از اروپا به ایران آمدند و تلاش‌هایی در جهت تجهیز سپاه ایران به اسلحه گرم صورت گرفت. در این دوران کم کم نشانه‌هایی از فرنگی‌سازی در هنر ایران نمایان شد و هنرمندانی چون «محمد زمان» به اروپا رفته و شیفته هنر و فرهنگ اروپایی شدند. حتی کار به جایی رسید که شایعه شد محمد زمان به مسیحیت گرویده و نام خود را به پائولو تغییر داده است.

پرسپکتیوِ نگاره‌های این دوران به سبک غربی شد و بدن برهنه نیز کم کم جای خَود را در میان نگاره‌ها باز کرد. این در صورتی بود که در نگارگری سده‌های پیش از آن بدن‌های برهنه و اروتیک صرفاً در «الفیه و شلفیه» ها نمود پیدا می‌کردند و البته این مینیاتورها هم در میان عامه مردم پخش نشده و کارکردی خاص و البته درمانی داشتند. به هر حال از دوران صفویه، تقلید جای خود را در میان عناصر بنیادین فرهنگ باز کرد.

مشروطه ایرانی و مساله تقلید

نخستین مواجهه ایرانیان با مدرنیته مواجهه مغلوب در برابر غالب بود. وقتی سپاه عباس میرزا در دوران فتحعلی شاه قاجار به مصاف روس رفت، سپاه نامنظم عباس میرزا در مقابل یک ارتش قوی مجهز به انواع اسلحه‌های مدرن قرار گرفت. بالطبع ایرانیان شکست سختی خوردند که بجز از دست رفتن سرزمین‌های بسیار و کوچک شدن مرزهای جغرافیایی ایران، یک مواجهه معرفتی را نیز برای ایرانیان پیش آورد و این مواجهه آشنا شدن با مدرنیته به عنوان یک «دیگری» غالب بود. سپاه ایران از ارتش غدار و کافر روس شکست خود که پیش از هر چیز مجهز به مدرنیسم و تفکر مدرنیته بود. این شکست باعث شد تا ایرانیان همه عقب ماندگی خود را در نبود مدرنیسم ببینند و البته در مقابل غرب سر تعظیم فرود بیاورند.

از آن دوران به بعد در مواجهه‌های ایرانیان با غرب بیشتر مواجهه مغلوب با غالب بود. حتی پس از به ثمر رسیدن مشروطه قانون اساسی کشور با اقتباس و تقلید از قوانین چند کشور اروپایی نوشته شد. مسأله‌ای که مورد اعتراض اساسی شیخ فضل‌الله نوری قرار گرفت و بعدها جدال‌های مهمی را باعث شد. هرچند که آن جدال‌ها به لحاظ تاریخی و شناختی اهمیت بسیاری دارند، اما مساله اصلی این بود که همین جدال‌ها باعث شد تا مشروطه به سرانجام نرسد و همه زحمات انسان‌های بزرگی که کوشنده در این راه بودند به هدر برود.

تقلید در فرهنگ و سیاست در پس از انقلاب

روند تقلید و نه محاکات در فرهنگ ایران که از دوران صفویه آغاز شده بود در سه دهه اخیر در ایران آغاز شده بود در دوران پس از انقلاب اسلامی به اوج رسید. در این دوران به دلیل توسعه شبکه‌های ارتباطی، تصویرهای به روز و بیشتری از غرب به داخل کشور رسید. میزان حضور سیاحتی ایرانیان در غرب نیز بسیار بیشتر از قبل شد.

تصویرهای به روز از زرق و برق زندگی غربی (بویژه زندگی سلبریتی‌ها) درست همانند سلاح گرم روس غدار در دوران فتحعلی شاه قاجار عمل کرد. در این میان یک فضای پست هدونی و یک فضای جذب شدگی پیش آمد. در فضای جاذب و مجذوب توجه مجذوب صرفاً به نشانه‌های صادر شده از ظاهر پیام جاذب است. در اینجا صحبت از مفهوم اضمحلال به میان می‌آید. در واقع تربیت جمعیتی که با سفر به اروپا یا دیدن تصاویر زندگی اروپایی مجذوب فرهنگ آنها شده و تمام تلاش خود را برای زیست اروپایی به خرج می‌دهد و زندگی نمایشی را در پیش می‌گیرد، یک تربیت مقلدانه بوده است.

در مقابل این رخداد سیاست‌گذاران فرهنگی کشور دو مسیر را در پیش گرفتند؛ نخست وجه سلبی ماجرا بود که به اقداماتی از جمله جمع آوری دیش‌های ماهواره و برخورد با کسانی که دستگاه ویدئو در منزل داشتند، کشید. در وجه ایجابی تصمیم مسئولان بر این گرفته شد که ظاهر زندگی ایرانیان نیز به سمت زندگی غربی میل پیدا کند. این برنامه پس از جنگ به مسابقه مصرف در میان ایرانیان انجامید. به نظر می‌رسد مرجعیت یافتن سلبریتی‌های ایرانی را نیز باید نتیجه مستقیم این برنامه دانست. عجیب آنکه خود مسئولان و خانواده‌هایشان نیز در این دام افتادند. رسوایی سبک زندگی مسئولانی که در دوران انقلاب مدام ندای مستضعف‌خواهی سر می‌دادند از دهه ۷۰ آغاز شد و عجیب آنکه ندای «کسانی که توانایی مالی برای زندگی در تهران را ندارند بهتر است از این شهر خارج شوند» نیز از همین دوران و توسط همین مسئولان مطرح و حتی عملیاتی شد.

تولید سلبریتی به صورتی کاملاً آگاهانه از دهه ۷۰ توسط مسئولان فرهنگی کشور پیگیری شد تا به خیال خود مردم به آنها سرگرم شده و با پیگیری احوالات و زندگی شخصی‌شان از پای برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای برخیزند. ارتباط مسئولان فرهنگی و سیاسی با فوتبالیست‌ها و بازیگران سینما و تلویزیون این طیف را به یک زندگی دوگانه و نفاق نیز کشاند، این طیف در مواجهه با مسئولان ناچار به تظاهر به دیانت بودند. اگر تا پیش از دهه ۷۰ فوتبالیست‌های مشهور، انسان‌های بااخلاقی چون زنده‌یاد سیروس قایقران بودند، در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ فوتبالیست‌های سربر آوردند که در تلویزیون به عنوان مداح و علاقه‌مند به مذهب معرفی می‌شدند، اما cd پارتی‌های شبانه‌شان در تهران دست به دست می‌گشت و با مبالغی کلان مورد خرید و فروش قرار می‌گرفت. یکی از مسئولان فرهنگی کشور چندی پیش در نشستی که ابراهیم فیاض نیز حضور داشت گفت که «ما برای مقابله با سلبریتی‌های فعلی باید سلبریتی‌های جدید بسازیم تا همدیگر را بزنند!» انگار که جنگ گلادیاتورها است.

به نظر کلیت این جریان است که باعث شده تا فرهنگ ایرانی به سوی «اختگی» حرکت کند. بروز برخی رخدادها (مانند جریان تصادف پورشه‌ها در اصفهان و رفتار دخترکی که تصادف کرده بود) نشان می‌دهد که فرهنگ ایرانی اکنون توانایی پاسخگویی به اجتماع را ندارد و از اثرگذاری بر نسل جدید عاجز است. امروزه فرهنگ ایرانیِ جدال را برای باروری جامعه در همه حوزه‌ها به فرهنگ‌های «خوش ذَکر» باخته است و البته به نظر می‌رسد که این فرهنگ نزار ایران در عصر حاضر نه توانایی و قابلیت محاکات را دارد و نه توانایی بازتولید خود را. شاید بتوان نتیجه اثرگذاری مستقیم چنین فرهنگی را در کنشگری سیاسی عامه مردم و اضمحلال نهادها و نمادهای دموکراسی در ایراننیز مشاهده کرد. عالی‌ترین نمونه از تأثیر فرهنگ عقیم و اخته شده بر سیاست را در همین مساله «تکرار» می‌توان دید.

جمعیت مقلد که فکر را به کناری گذاشته‌اند، با ندای «تَکرار» کورکورانه وارد عرصه سیاست شده و به نمایندگانی رأی می‌دهند که نه تنها هیچ شناختی از شخصیت آنها ندارند بلکه حتی از تفکر و برنامه‌های آنها نیز بی‌خبرند. خنثی بودن این طیفی که با توسل به ندای تکرار وارد مجلس شده، اکنون مهم‌ترین معضل کشور است. کسانی که نمی‌دانند در مقابل چنین وضعیت نابسامانی باید چه کنند و چه قوانینی را برای برون رفت کشور از معضلات تصویب کنند؟

پروفسور «مهمت کانار» در گفت‌وگویی مطرح کرد؛

شاعری بهتر از حافظ نمی‌شناسم

بدون شک در دنیای مدرن ارتباطات نقش ادبیات هنوز هم غیرقابل‌انکار است. زیرا ادبیات می‌تواند فرهنگ، تاریخ و حتی جغرافیای یک سرزمین را به دیگران معرفی و به عبارتی جهانی کند. اما برای فهم ادبیات یک کشور نیاز است زبان آن سرزمین را درک کنیم و این‌گونه است که نقش پراهمیت مترجمان موردتوجه قرار می‌گیرد. مترجمانی که باید تاریخ، فرهنگ و ادبیات یک کشور را به‌طور عمیق درک کرده باشند تا بتوانند پای در دنیای ترجمه بگذارند. پروفسور «مهمت کانار» مترجم و نویسنده سرشناس ترکیه‌ای که سال‌های طولانی را برای مطالعه زبان و ادبیات فارسی و ترکی صرف کرده است و حاصل این سال‌ها در آثار مختلفی دیده می‌شود. او زبان و ادبیات فارسی را به‌خوبی می‌شناسد و به این زبان علاقه دارد. شاید دلیل این موضوع را بتوان از همان محل تولدش جست‌وجو کرد که شهر قونیه همان مدفن جناب مولانا جلال‌الدین است.

مهم‌ترین خدمتی که مهمت کانار برای زبان و ادبیات فارسی انجام داده تهیه لغت‌نامه فارسی به ترکی (و بالعکس) است و این مجموعه کامل‌ترین و استانداردترین فرهنگ لغت بین دو زبان است همچنین وی ترجمه آثار کلاسیک فارسی را در کارنامه خود دارد که از میان آن‌ها می‌توان به دیوان حافظ، گلستان سعدی و برخی آثار عطار اشاره کرد، البته باید به این موضوع اشاره کرد که کانار ترجمه کتاب‌های نویسندگان معاصری را هم به سرانجام رسانده است.

پروفسور مهمت کانار متولد ۱۹۵۴ است و دوران ابتدایی تحصیل را در استانبول گذرانده و به قول خودش بااینکه آرزوی خلبان شدن را داشته در دانشگاه رشته ادبیات می‌خواند و همین سرآغاز علاقه‌اش به زبان فارسی می‌شود به‌طوری‌که رساله‌اش را بر مثنوی‌های شمع و پروانه و رباعیات اوحدین کرمانی متمرکز می‌کند و در قالب یک کتاب هم منتشر می‌کند.

خبرنگار یکی از خبرگزاری ها به‌تازگی گفت‌وگویی با این مترجم انجام داده است که در ادامه مشروح آن را می‌خوانید:

جناب کانار در مورد آثار و فعالیت‌های علمی‌تان در حوزه ادبیات فارسی توضیح دهید؟

در دوره‌ای که دانشجوی کارشناسی بودم فرهنگ لغت ترکی به فارسی و فارسی به ترکی غنی وجود نداشت همین مسئله کارمان را با محدودیت مواجه می‌کرد. بااینکه که کار بر روی ادبیات کلاسیک را دوست داشتم اما تصمیم گرفتم این تمایل را برای مدتی به عقب بیندازم و در این فاصله یک فرهنگ لغت غنی از فارسی به ترکی و ترکی به فارسی آماده کنم. در ابتدای همین فعالیت با آثار نویسندگان فاخری چون بزرگ علوی، صادق هدایت سعید نفیسی آشنا شدم. حاصل این آشنایی‌ها هم ترجمه آثار مختلفی از نویسندگان معاصر ایرانی بوده است. ناگفته نماند با ترجمه اثری از صادق هدایت به نام «ترانه‌های خیام» در زمینه ترجمه فارسی به ترکی جایزه بهترین ترجمه را کسب کردم. بعدها نیز از طرف ریاست جمهوری ایران موفق به کسب جایزه «پژوهشگر برتر» شدم و این جایزه برای من جایزه نوبل جهان شرق محسوب می‌شود.

علاوه بر این در ادامه فعالیت بر روی فرهنگ لغت‌نامه فارسی- ترکی تلاش می‌کنم هر ۱۰ سال ویرایشی بر آن انجام دهم و لغات جدیدی را به آن اضافه کنم. البته با توجه به نوع شغلی که دارم بخشی از فعالیت‌هایم مربوط به زبان ترکی و ادبیات کلاسیک آن است و در این بخش هم به‌تدریج بسته‌های آموزشی زبان ترکی را آماده و تکمیل کرده‌ام.

جذابیت زبان فارسی برای شما چیست که سال‌ها بدون خستگی در این حوزه کار می‌کنید؟

زبان فارسی ازنظر تلفظ آواها بسیار آسان و در کل زبان زیبایی است. البته در ادبیات کلاسیک فارسی شرایط کمی متفاوت می‌شود. درگذشته سالیان طولانی در منطقه آناتولی تمامی مکاتبات اداری به زبان فارسی بود و بسیاری از آثار ادبی به زبان فارسی نوشته شده است حتی آثار فارسی ترجمه ئ تفسیر می‌شد اما بعدها به‌مرور کاربرد این زبان تضعیف می‌شود. اما حالا در سال‌های اخیر شاهد حضور رشته زبان فارسی در دانشگاه‌های ترکیه و کلاس‌های آموزش خصوصی این زبان هستیم.

*** وضعیت استقبال از آثار زبان و ادبیات فارسی در ترکیه چگونه است؟**

استقبال خوبی از آثار ادبی فارسی در ترکیه وجود دارد به‌علاوه اینکه در بسیاری از دانشگاه‌های دولتی ترکیه هم رشته زبان و ادبیات فارسی تدریس می‌شود. جامعه دانشگاهی ترکیه بیشتر در حوزه ادبیات کلاسیک فارسی فعالیت می‌کند اما در کنار این البته ادبیات معاصر فارسی هم موردتوجه هست.

*** کدام نویسنده یا شاعر ایرانی بیشتر موردعلاقه مردم ترکیه است؟**

در جامعه ترکیه نویسندگان و شاعران معاصر هم چون صادق هدایت، بزرگ علوی و شاملو بیشتر موردتوجه‌قرارگرفته‌اند.

بازگردیم به فعالیت خود شما در ادبیات فارسی؛ در هنگام ترجمه آثار کلاسیک فارسی همچون دیوان حافظ، گلستان سعدی با سختی مواجه نشدید؟ آیا ترجمه ادبیات کلاسیک کار سختی است؟

بله با سختی بسیاری مواجه شدم. به‌عنوان‌مثال برای اینکه بتوانم گلستان سعدی را به ترکی برگردانم ۲۰ سال وقت گذاشتم از طرفی هم برای ترجمه مثنوی و دیوان حافظ ۲۵ سال زمان صرف کردم. زیرا می‌خواستم اثبات کنم اثر منظوم را می شود همانند یک اثر منظوم ترجمه کرد. در این میان از آثار پیشکسوتان ادبیات فارسی در ایران و ازنظر دانشمندان استفاده کردم.

*** در آینده قصد ترجمه چه کتابی از ادبیات فارسی را دارید؟**

به‌تازگی ترجمه اثر «مصیبت‌نامه عطار» را به پایان رسانده‌ام و اکنون نوبت ترجمه «منطق طیر» و «منظومه عطار» را در دست دارم، بنا دارم از این به بعد بر روی ترجمه آثار کلاسیک تمرکز داشته باشم.

*** آثار کدام شاعر و یا نویسنده ایرانی را بیشتر دوست دارید؟**

در ادبیات کلاسیک شاعری را بهتر از حافظ نیافته‌ام، او خدای شعر است. حتی از نظر من سعدی صد فرسنگ از او فاصله دارد و عقب‌تر است. در ادبیات معاصر نیز اشعار فروغ فرخزاد را بیشتر دوست دارم.

*** شما چه وجه اشتراکی میان ادبیات ایران و ترکیه می‌بینید؟**

دو کشور ایران و ترکیه تاریخ مشترکی دارند، فرهنگ دو ملت باهم آمیخته و عجین است، البته اولین عامل برای این اشتراک میان ادبیات دو کشور به شخصیت و اشعار مولانا بازمی‌گردد. به‌واسطه این شاعر مردم سرزمین آناتولی بافرهنگ ادبیات فارسی آشنا شده‌اند. از طرفی حضور سلسله حکومت‌های ترک در خاک ایران به‌مرور باعث شده ارتباط میان ادبیات ترکیه و ایران گسترده‌تر شود.

*** شما تاکنون از نمایشگاه بین‌المللی کتاب (بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی در حوزه ادبیات ایران) دیدن کرده‌اید؟**

تاکنون فرصتی برای این کار پیدا نکردم، اما برخی از همکارانم از این نمایشگاه کتاب بازدید کرده‌اند. الآن هم ۱۲ سال است که از دانشگاه استانبول بازنشسته شده‌ام هرچند تدریسی در دانشگاه «یدی تپه» دارم و کماکان با آثاری از زبان و ادبیات فارسی مشغول هستم و همچنان معتقدم در این حوزه کار بسیاری برای انجام دادن دارم.

*** و سوال پایانی؛ یک مترجم خوب چه خصوصیاتی باید داشته باشد؟**

مترجم باید به هر دو زبان تسلط کامل داشته باشد. به‌عنوان‌مثال برای اینکه بتوانیم ترجمه آثار منظوم فارسی را به ترکی بازگردانیم باید با ادبیات کلاسیک ترکی (ادبیات درباری)، ادبیات معاصر و فرهنگ لغت ترکی اشراف داشته و همچنین با شیوه گفتاری آن‌ها آشنایی کامل داشته باشیم. در زبان فارسی هم همین‌طور باید باشد. در کل باید مترجم در این زمینه تجربه بسیاری اندوخته باشد. مترجمان همچنین باید یک لغت‌نامه کنار دستتان باشد. البته تبدیل‌شدن یک نفر به مترجم خوب مستلزم این است که فرایندی طولانی صرف شود، در مورد خودم فکر می‌کنم از پس این گذرگاه برآمده‌ام

اخبار

رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس:

۷ میلیون زائر راهیان نور از مناطق عملیاتی بازدید کردند

سردار بهمن کارگر عصر سه شنبه در همایش منطقه‌ای بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس با حضور استان‌های سمنان، خراسان رضوی، خراسان شمالی و خراسان جنوبی به میزبانی پارک موزه دفاع مقدس سمنان با بیان اینکه سال گذشته هفت میلیون نفر زائر راهیان نور از مناطق عملیاتی کشور بازدید کردند، ابراز کرد: این زائران از مناطق عملیاتی جنوب شرق، جنوب و غرب بازدید کرده‌اند.

وی افزود: راهیان نور فقط متعلق به زمان ایام اوج که ۱۵ اسفند تا ۱۵ فروردین ماه نیست بلکه در تمام طول سال این مراسم انجام می‌شود که هم اکنون نیز راهیان نور در غرب برقرار است و بیش از ۷۰ درصد از این هفت میلیون زائر راهیان نور، جوانان بین ۱۵ تا ۳۰ سال هستند که کار بسیار ارزشمندی است.

رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، گفت: در حوزه بنیاد حفظ آثار با توجه به مأموریتی که به استان‌ها داده بودیم، یک‌هزار عنوان کتاب در کشور به چاپ رسیده که امیدواریم این میزان در سال جاری به یک‌هزار و ۵۰۰ عنوان برسد البته این کتاب‌ها در سه سطح الف، ملی، ب در سطح منطقه‌ای و ج در سطح استانی هستند که امیدواریم این اتفاق میمون رخ دهد.

کارگر در دیگر بخش سخنان خود بیان کرد: استان سمنان با سه هزار شهید، هفت هزار و ۵۰۰ جانباز و ۴۰ هزار رزمنده سهم بزرگی در دفاع مقدس داشته و همچنین میزبان ۱۵۰ شهید گمنام در ۴۷ نقطه یادمانی است.

وی همچنین با بیان اینکه این آمار به نسبت جمعیتی که در استان بوده، قابل توجهی است، گفت: سمنان بیشترین جانباز و شهید را در بین استان‌های کشور دارد و بحمد الله موزه دفاع مقدس این استان در دهه فجر سال ۹۶ به بهره برداری رسیده و لذا امیدواریم تا پایان سال ۹۸ به طور کامل مورد افتتاح قرار گیرد.

رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس افزود: افتتاح ۱۰ موزه دفاع مقدس تا پایان امسال در زمره برنامه‌های بنیاد حفظ آثار دفاع مقدس است که سمنان نیز یکی از این استان‌ها محسوب می‌شود.

کارگر گفت: سال گذشته ۳۰ عنوان کتاب سهمیه استان سمنان بوده که توفیق داشتیم این میزان ۱۰۰ درصد محقق شده است در فضای مجازی نیز توانسته‌ایم شاهد افتتاح یک طرح در این حوزه باشیم که در این راستا نیز سمنان دارای توفیقاتی بوده است.

وی بیان داشت: در حوزه تشییع شهدای گمنام نیز خوشبختانه مردم استان سمنان همواره سنگ تمام گذاشته‌اند و نمونه آن را در روز هفتم و هشتم تیرماه در مرکز استان شاهد بوده‌ایم که نشان می‌دهد مردم این استان از هر قشر و صنفی همیشه در صحنه هستند.

رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، در پاسخ به سوالی با موضوع اهداف بنیاد حفظ ارزش‌های دفاع مقدس، توضیح داد: در حوزه مسئله حجاب و عفاف امروز باید اذعان کرد که این دو مقوله از اصول اساسی نظام است و امروز ظواهر جامعه ما مورد قبول متدینان، خانواده شهدا و ... نیست لذا در اکثر وصیت‌نامه شهدا یکی از سفارشات همواره حجاب بوده است و در نتیجه بنیاد تلاش دارد تا علاوه بر حمایت از نیروی انتظامی و قوه قضائیه در بحث حجاب، در راستای ترویج فرهنگ حجاب و عفاف نیز فعالیت دارد.

کارگر همچنین با بیان اینکه همه ما باید به قانون عمل کنیم، گفت: شهدا و مردم از ما می‌خواهند که در امنیت ورود کنیم و لازمه این امر پلیس مقتدر است، اگر پلیس را تضعیف کنیم در جامعه امنیت نخواهیم داشت و بچه‌های ما امنیت ندارند تا جایی‌که حتی محیط‌های آموزشی و تفریحی هم دیگر امنیت ندارند لذا باید از پلیس حمایت کرد، اما هر وقت پلیس به وظیفه‌اش عمل می‌کند متاسفانه عده‌ای همراه با رسانه‌های معاند به پلیس حمله می‌کنند.

کارگر با بیان اینکه برخی به گونه‌ای صحبت می‌کنند که گویا مجری رسانه معاند هستند، گفت: باید امروز از پلیس حمایت کرد و اگر پلیس به وظیفه‌اش عمل نکند باید از آن انتقاد کنیم نه اینکه وقتی رسالتش را صورت می‌دهد با آن برخورد کنیم، کجای دنیا چنین چیزی دیده می‌شود که پلیس برای انجام وظیفه‌اش مورد حمله قرار گیرد لذا باید از ناجا تشکر کرد چرا که مجاهد در راه خدا هستند و از لب مرز تا دم در خانه ما امنیت را ایجاد می‌کنند.

وی بیان کرد: یکی از سردمداران رژیم صهیونیستی بیان داشت که اگر می‌خواهید در ایران پیروز شوید باید نهاد خانواده و مادران را تضعیف کنید امروز ظواهری که برخی زنان دارند و در برخی امکان عمومی حاضر می‌شوند آیا برهم زننده زندگی مردم نیستند؟ امروز وضعیت طلاق و ازدواج در چه وضعیتی است؟ آیا راضی کننده است؟ لذا یکی از علت‌ها همین خودنمایی زنان است.

رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس با ابراز اینکه یکی از کارهایی‌که دشمنان در جنگ نرم انجام می‌دهند ترویج فرهنگ برهنگی است ولذا ما باید از پلیس تشکر کنیم و دستشان را ببوسیم چون با ناهنجاری‌های اخلاقی برخورد می‌کند، افزود: کجای دنیا می‌شود که کسی مزاحم مردم شود پلیس بیاید از مردم و اقتدار خودش دفاع کند و بعد مورد هجمه قرار گیرد؟ انقلاب اسلامی به دنبال ارزش‌ها است و یکی از ارزش‌ها همین حجاب و عفاف است.

کارگر باتاکید بر اینکه اگر امروز اقتدار پلیس شکسته شود مردم از نظر امنیت دچار مشکلات می‌شوند، بیان کرد: اگر ما پلیس قدرتمند و مقتدر داشته باشیم امنیت امروز و آتی ما تامین می‌شود.